

جایی در دور دست

بحران در کافه گریه‌ها

■ روتنز: شرایط برای کافه‌های ویژه گریه‌ها در توکیو که محلی برای جمع شدن عاشقان این حیوان ملوس بود سخت شده. این کافه‌ها قبلا جایی بود برای آرامش و لذت آنهایی که تمام خوشی‌شان باری با گریه‌ها بود اما حالا دیگر صدای خرخر گریه‌ها در این محل شنیده نمی‌شود چرا که قانون حمایت از حیوانات زاین دچار اصلاحاتی شده و بر اساس آن حیواناتی نظیر گربه و سگ حداکثر تا ساعت هشت شب می‌توانند در این کافه‌ها در معرض دید عموم قرار گیرند و بعد از آن هم کافه‌ها باید کرکره‌شان را پایین بکشند.هرومی کاواسه مدیر یکی از کافه‌های گریه توکیو می‌گوید: «براساس قانون جدید کافه‌ها تنها از ساعت ۸ صبح تا ۸ شب باز هستند و بعد از آن باید گریه‌ها را از جلو چشم مشتریان برداریم و سرجایشان قرار دهیم و بعد کافه را تعطیل کنیم.» کاواسه که مشخصا از این تصمیم ناراحت شده ادامه می‌دهد: «همه می‌دانند که گریه‌ها در هنگام عصر با آن قیافه ملوس‌شان حسایی روی فرم هستند و نمی‌فهمم که چرا مقامات با این قضیه مشکل دارند.» کافه‌های گریه برای عاشقان حیواناتی که به دلیل مقررات آپارتمانی اجازه نگهداری از حیوانات را در خانه‌شان ندارند محلی برای هم‌نشینی با محبوب‌شان بود. هر کسی که به کافه کاواسه می‌رفت، می‌توانست با پرداخت هزار ین (۱۲ دلار) برای یکساعت با هر کدام از ۲۴ گریه موجود در کافه بازی کند؛ گریه‌هایی که تمام امکانات برای سرگرمی آنها در این مجموعه مهیا بود. به گفته مقامات سازمان حمایت از حیوانات، هدف آنها از تغییر قانون مقابله با مغازه‌هایی بود که تا آخر شب باز بودند و حیواناتی مثل گربه و سگ می‌فروختند و وضعیت نگهداری از آنها اصلا جالب نبود اما شرایط محل کسب و کار کاواسه کاملا با مغازه‌های حیوان‌فروشی فرق می‌کرد. او کافه‌اش را ساعت ۱۰ شب می‌بست و بیشتر مشتریان او افرادی بودند که بعد از پایان ساعت کاری‌شان تازه از ۸ شب به کافه می‌آمدند و تا زمان تعطیلی با گریه‌ها بازی می‌کردند. تاتسو کارویچی ۴۱ساله یکی از این افراد است که می‌گوید: «گر خبری از گره نباشد من هم به کافه نمی‌آیم چون دلیل اصلی حضور من در این



محور گریه‌ها بود.» او هفته‌ای دو بار و دور و بر ساعت ۸ به کافه می‌رفت تا دو ساعتی با گریه‌ها باشد. این موضوع در مورد آیومی سکیگوشی ۲۳ساله هم صدق می‌کند: «بیتجا محل بسیار خوبی برای آرامش بود و استرس کار را از بیسن می‌برد اما با این قانون جدید می‌خواهند تنها خوشی‌مان را از ما بگیرند و این مایه تاسف است. کاواسه می‌داند که تعطیلی کافه‌اش دو ساعت زودتر از زمان همیشگی روی درآمد او تاثیر منفی می‌گذارد اما او بیشتر نگران گریه‌هایش است چرا که هر چقدر درآمد کافه او کمتر شود به همان اندازه تسهیلاتی که در اختیار گریه‌ها قرار می‌گرفت، کمتر می‌شود.»

معلمان در فهرست سیاه



■ **ورلد کرانچ:** برای اولین بار در سوییس وزارت آموزش این کشور نام معلمان جدید را در فهرست سیاه چک کرده تا مبادا آنها مشکلی داشته باشند. هر چند که این اتفاق به خیر گذشت، با این همه وجود چنین فهرستی مدیران مدارس را نگران پیشینه معلمان جدیدش کرده است. سازمانی که مسوول انجام این تحقیق بوده بیشتر روی معلماتی زوم کرده که در رزومه کاری آنها فاصله‌ای بین شغل‌هایشان ایجاد شده بود. مارتین وندلپسیس، مسوول نظارت بر مدارس زوریخ می‌گوید: «در رزومه بعضی از معلمان فاصله‌ای دیده می‌شود و مثلا آنها دلیل این قضیه را سفر دو ساله به هند برای یادگرفتن یوگا عنوان کرده‌اند. ما هم سعی می‌کنیم با بررسی مدارک صحت گفته‌های آنها را ثابت کنیم.» نام معلماتی که در مدارس قبلی‌شان با دانش‌آموزان بدرفتاری داشته‌اند در فهرست سیاه وجود دارد و آنهایی که به وظایف حرفه‌ای خود عمل نکرده‌اند و مرتبط از زیر کار در رفته‌اند دیگر حق تدریس نخواهند داشت. به این فهرست باید نام افرادی را که سابقه کفیری دارند، اضافه کرد. معلماتی که فلاح حق تدریس ندارند می‌توانند بعد از چند سال دوباره تقاضای کار در مدرسه کنند، هر چند که بعد است این افراد دوباره سراغ معلمی بیایند و شانس‌شان را در حوزه‌های دیگری امتحان خواهند کرد. در حال حاضر نام ۳۲ معلم در فهرست سیاه وجود دارد و تنها در صورتی نام آنها از این فهرست حذف می‌شود که یا بازنشسته شوند یا اینکه بعد از چند سال و تایید صلاحیت دوباره به مدرسه برگردند.

دنیا گردی



گران‌ترین واحدهای ساختمانی جهان در مجتمع «هایدپارک یک» لندن

سازمان ملل متمول!

ترجمه: رامین طبرسی

هم تشکیل شده که در کنار معروف‌ترین پارک لندن قرار دارد. نزدیک این مجتمع معروف‌ترین گالری‌های هنری و نمایندگی‌های برند قرار دارد و سمت راست آن هتل ماندلین است که زیرزمینش به هایدپارک راه دارد و طبق قراردادی، پرسنل هتل موظفند در هر ساعت از شبانه‌روز خواسته‌های ساکنان هایدپارک را برآورده کنند و آنها می‌توانند بدون خروج از آپارتمان‌شان ضمن استفاده از تمام امکانات هتل کارهایشان را تنها از طریق یک تماس تلفنی انجام دهند. به گفته مایلز وود نماینده آژانس املاک ساویل که فروش آپارتمان‌های مجموعه را بر عهده داشته مهم‌ترین چیز برای ساکنان هایدپارک کیفیت خدماتی است که به آنها رایه می‌شود و آنهایی که در طول سال مرتب در سفر هستند دوست دارند از اقامتشان در لندن نهایت لذت را ببرند.

جنگل بلوط

روزنامه‌نگاران معدودی توانسته‌اند وارد هایدپارک یک شوند چراکه احتیاط در بین مدیران این مجتمع حرف اول را می‌زند. اما آنهایی که داخل مجموعه شده‌اند هنوز نتوانسته‌اند از شوک امکانات فوق‌العاده آن خارج شوند به‌خصوص آنکه در ساخت و دکوراسیون داخلی

بانوی نیالی، فرشته نجات مادران زندانی

تقسیم زندگی با بچه‌ها

ترجمه:امین دانشور

نه شغلی داشت نه پولی که بتواند از پس مخارج نگهداری از بچه‌ها برپیايد ضمن آنکه خانواده او هم موافق این قضیه نبودند، هرچند که نهایتا از دخترشان حمایت کردند. از طرف دیگر مقامات زندان و حتی بعضی از مادران زندانی که پوشیا به ملاقاتشان رفته بود در اینکه دختری با این سن و سال بتواند نقش مادر را برای بچه‌ها بازی کند، شک داشتند: «وقتی این کار را شروع کردم، هیچ‌کس به من اعتماد نداشت و همه فکر می‌کردند دیوانه شده‌ام و به من می‌خندیدند» اما بااستن نشان داد که در هدفش حسایی جدی است و از هیچ چیزی نمی‌ترسد. او از طریق دوستانش پول جمع کرد تا با کمک آن بتواند خانمی به این بچه‌ها راه بیندازد. او برای مبللمان این مرکز ویژه کودکان ایده جالبی داشت و آنقدر روی مخ والدینش کار کرد تا توانست آنها را متقاعد کند که باید اسباب اثاثیه خانه‌شان را نو کنند. حتما خودتان متوجه شدید که هنگام تعویض وسایل خانه، اسباب قدیمی کجا می‌رفتند. تنها دو ماه بعد از اولین باری که بااستن به زندان رفته بود او نگهداری از پنج بچه

را بر عهده گرفت و هر روز صبح آنها را از زندان خارج می‌کرد و تا عصر در کنارشان بود و دوباره بچه‌ها را پیش خانوادشان می‌فرستاد. تعدادی از بچه‌هایی که پوشیا مسوول نگهداری از آنها شده بود، رنگ بیرون زندان را ندیده بودند. دو سال بعد او خانه پروانه را راه انداخت که از پنج سال قبل تا امروز میزبان او و بچه‌ها بوده، با اینکه از مدتی قبل چند نفری به بااستن در نگهداری از بچه‌ها کمک می‌کنند اما او کم‌اکان مثل روزهای اولی که این کار را شروع کرده بود، پرتانگیزه است: «ما همه کار می‌کنیم و جالب اینکه اصلا خسته نمی‌شویم، بچه‌ها به من انرژی می‌دهند و خنده آنها اصلی‌ترین انگیزه می‌شدند که برای ادامه کار است.» رسیدگی به بچه‌ها اصلا کار راحتی نیست اما



از سکنه است بسیاری از روزنامه‌های انگلیسی آنجا را با شهر ارواح در قلب لندن مقایسه می‌کنند که البته برای مالکان متمول آپارتمان‌ها موضوع چندان مهمی است. در فوریه ۲۰۱۲ آخرین واحد پنج‌خوابه هایدپارک به قیمت ۷۲میلیون یورو به فروش رسید و شرکتی که مسوول ساخت این مجتمع‌ها بود سود خوبی بابت این پروژه کرد چراکه به جز شرکت‌های انگلیسی یک شرکت قطری هم – که مالک آن نخست‌وزیر قطر است – در ساخت این مجموعه سرمایه‌گذاری کرده بود. البته آن اتومبیل‌های دنیا را در کنار هم دید. جدا از سالن سینما و سالن بدنسازی، زمین گلف، سالن اسکواش، استخر مجلل، چشمه آب معدنی و سونا از دیگر امکانات این مجتمع مجلل است. شارژ آپارتمان‌ها براساس مترآز است و شارژ سالانه هر متر مربع از آپارتمان‌ها نزدیک به ۱۸۰ یورو است. در چنین شرایطی مالک یک آپارتمان پنج‌خوابه باید سالی ۱۶۳هزار یورو شارژ بدهد بعید است که آپارتمان‌های مجموعه به این زودی پر از سکنه شود با اینکه در اولین سال بعد از ساخت آپارتمان‌ها ۶۸ واحد به فروش رسید اما تنها سه واحد خانه اصلی ساکنانش است و سایر ساکنان در همه جای دنیا خانه دارند و زمانی که حوصله‌شان از حضور در نقاط دیگر دنیا سر رود سری، هم به لندن می‌زنند.

شهر ارواح در قلب لندن

از آنجایی که در اکثر اوقات سال، هایدپارک خالی

نمی‌کند. وقتی با آنها هستم خوشحالم.» همه بچه‌هایی که در خانه پروانه هستند رضایتنامه والدین‌شان برای زندگی کنار پوشیا را در جیب دارند. هر وقت بااستن از حضور بچه‌ای در زندان مطلع شود در کوتاه‌ترین زمان ممکن به دیدار خانواده‌اش می‌رود و شرایط مرکز کار برای آنها توضیح می‌دهد تا در صورت موافقت آنها بچه را به خانه بیاورد. او روی این نکته اصرار زیادی دارد که بچه‌ها با والدین‌شان در ارتباط باشند. در روزهای تعطیلی مدارس او بچه‌های کوچک‌تر را همراه با غذا به زندان می‌فرستد تا کنار خانواده‌شان باشند. بااستن می‌خواهد بچه‌ها بعد از آزادی والدین‌شان پیش آنها برگردند و تا امروز از اتفاق پر مورد ۶۰ بچه افتاده. کوم مایا تامانگ یکی از افرادی است که خودش را مدیون بااستن می‌داند. تامانگ به اتهام حمل موادمخدر هفت سال زندانی بود و دو دخترش را به زندان آورده بود تا پیش خودش باشند اما وقتی داستان بااستن را شنید فرزندان‌ش را پیش او فرستاد. او می‌گوید: «اگر پوشیا نبود بچه‌های من نمی‌توانستند درس بخوانند و شاید مجبور می‌شدند که در خیابان زندگی کنند. پوشیا برای این یک مادر واقعی بود» لاکسمی دختر بزرگ تامانگ می‌گوید که زندگی بدون بااستن برایش معنایی ندارد: «گر او نبود زندگی من حتی یک روز خوب هم نداشت» در سال ۲۰۰۹ بااستن برنامه‌ای را شروع کرد که بر اساس آن والدین زندانی طرز تهیه چیزهای مختلف را یاد می‌گرفتند تا بااستن با فروش آنها هزینه‌های نگهداری از بچه‌ها را تامین کند. با این‌را نه تنها والدین می‌توانند روی مهارت‌شان برای کسب درآمد بعد از آزادی از زندان حساب کنند بلکه از این طریق احساس می‌کردند به بچه‌هایشان نزدیک‌تر هستند: «خیلی از زندانی‌ها فکر می‌کنند که چون در زندان هستند به هیچ دردی نمی‌خورند و من می‌خواهم به آنها این حس را بدهم که می‌توانند کمک حال ما باشند.» بااستن قبلا با فروش جواهراتش صورت خودش و بچه‌ها را سرخ نگه داشته بود اما تولیدات والدین به همراه کاردستی‌هایی که بچه‌ها درست می‌کردند، توانست بخشی از هزینه‌ها را تامین کند. هدف اصلی او پیدا کردن راهی برای تامین خوشبختی آینده بچه‌هاست. او یک حساب بانکی باز کرده که موجودی‌اش صرف تحصیلات عالیه بچه‌ها خواهد شد: «دوست دارم بچه‌ها همیشه خوشحال باشند و به رویاهای‌شان برسند. این بزرگ‌ترین آرزوی من است.»

آنسو ی آب

انعام به حق دار رسید

■ **روتنز:** وکیل پیشخدمتی در یکی از رستوران‌های ایالت مینوسسا بالاخره توانست از طریق دادگاه ۱۲ هزار دلار انعامی که پلیس از موکلتش گرفته بود را پس بگیرد. استیسی ناتسون که در رستوران فرین‌پن کار می‌کند این پول را نوامبر گذشته از مشتری‌ای که به‌استش را درون رستوران جا گذاشته بود، گرفت. ناتسون وقتی بسته را دید دوان دوان به سمت پارکینگ رفت تا امانتی مشتری را بدهد اما آن شخص به او گفت که پاکت را پیش خودش نگه دارد. باز کردن پاکت همانا و دیدن ۱۲هزار دلار نقد داخل آن همان. ناتسون که پنج بچه دارد این پول را به اداره پلیس تحویل داد. در ابتدا مقامات اداره پلیس به او گفتند که اگر طی دو ماه آینده کسی برای گرفتن این پول مراجعه نکند ۱۲ هزار دلار به او تعلق می‌گیرد. وقتی ۶۰روز تمام شد پلیس به ناتسون گفت که ۳۰ روز دیگر هم باید صبر کند. نهایتا آنها با گفتن اینکه پول‌ها بوی ماری‌جوانا می‌دهد از دادن آن به ناتسون خودداری کرده و در ازای آن حاضر به پرداخت جایزه هزار دلاری به او شدند اما ناتسون باردا این جایزه ماجرا را به دادگاه کشتند. در دادگاه هم او و سایر گارسون‌ها مدعی شدند که پاکت مربوطه هیچ بوی خاصی نمی‌داده. نهایتا مقامات اداره پلیس با تغییر عقیده‌شان این پول را به ناتسون – که برای بزرگ کردن بچه‌هایش مشکل مالی دارد- برگردانند. کرگ ریچی وکیل ناتسون عقیده دارد که رسیدن این پول به موکلتش خواست خدا بوده چرا که ناتسون زن معتقدی است.

گران‌ترین ساعت دنیا به فروش می‌رسد



■ **دبلی‌میل:** یک کمپانی ساعت‌سازی سوییسی به تازگی از آخرین محصولش که گران‌ترین ساعت دنیاست رونمایی کرده. ساعت جدید کمپانی هابلوت که قیمت آن پنج‌میلیون دلار ارزیابی شده جلوی مقدار زیادی طلاست و آنقدر سنگ‌های قیمتی روی آن قرار گرفته که کسی به آن به شکل ساعت نگاه نمی‌کند و همه آن را یک جواهر می‌دانند. از ۱۲۹۲ ال‌ال‌مس به کاررفته در این ساعت، شش تکه وزنی بیشتر از سه قاره دارد. شرکت ساعت‌سازی مدعی شده ۱۷ نفر ۱۴ ماه روی طراحی و ساخت این ساعت کار کرده‌اند. میانگین قیمت ساعت‌های مارک هابلوت، ۲۴هزار دلار است و ژان کلود بیور رییس این شرکت مدعی شده این‌نوی ساعتی گران‌تر از این درست کرد چراکه سطح ساعت امیزه قرار دادن جواهرات بیشتری نمی‌دهد. با اینکه قیمت این ساعت برای بسیاری از مردم جهان قابل باور نیست اما به گفته آقای بیور تا امروز افراد مختلفی که بهتر است هویت‌شان مخفی بماند برای خرید این ساعت اعلام آمادگی کرده‌اند. جالب اینکه بحران اقتصادی اروپا نهایتا باعث کم‌درآمد شدن هابلوت نشده بلکه وضع آنها و البته سایر برندهای مجلل بهتر از قبل شده است.

فروش کوچک‌ترین شهر آمریکا

■ **روتنز:** شهر بافورد در ایالت وومینگ آمریکا که تنها یکنفر جمعیت داشت تعداد ۱۱ دقیقه بعد از مزایده اینترنتی، به قیمت ۹۰۰هزار دلار توسط یک شخص ناشناس ویتنامی خریداری شد. این شهر کوچک که در غرب آمریکا قرار دارد به واسطه مساحت چهار هکتاری‌اش و امکاناتی که دارد مورد توجه خیلی‌ها قرار گرفته بود. خریدار این شهر که دوست دارد هویتش فاش نشود حالا به رویای آمریکایی‌اش رسیده است: «داشتن ملکی در آمریکا همیشه رویای من بوده» هان سامونس تنها شهروند بافورد، در سال ۱۹۸۰ به همراه همسرش تری از لس‌آنجلس به این منطقه آمد و در سال ۱۹۹۲ و شش سال بعد از مرگ زنش بافورد را خرید. مدتی قبل سامونس ۶۱ساله تصمیم به فروش کوچک‌ترین شهر آمریکا گرفت تا به کلوارو برود و کنار پسرش باشد: «مما خانواده من رفتند و دیگر اینجا کاری نداریم. حالا دوست دارم تجربه جدیدی را امتحان کنم.» امی بیئس، مسوول بنگاهی که فروش اینترنتی بافورد را بر عهده داشت، می‌گوید: «حراج همیشه آدم‌های زیادی را جلب می‌کند اما خود ما هم انتظار این همه متقاضی را نداشتیم. خریدار بافورد می‌تواند در غرب وحشی صاحب یک شهر باشد. بارفورد زمانی برای خودش بر و بیایی داشت اما بعد از آنکه بخودلاری از این شهر به لارامین منتقل شد از جمعیت شهر کاسته شد.»

حذف مشروب برای جذب دانشجویان مسلمان

■ **تلگراف:** یکی از دانشگاه‌های لندن قصد دارد برای جذب بیشتر دانشجویان مسلمان، فروش نوشیدنی‌های الکلی در بخشی از محوطه‌اش را ممنوع کند. به گفته مالکولم گیلیس، معاون این دانشگاه از آنجایی که تعدادی از دانشجویان خوردن نوشیدنی‌های الکلی را حرام می‌دانند به همین دلیل قرار است که این نوع نوشیدنی‌ها در بخش‌هایی از محوطه مجموعه به فروش نرسد. یک‌پنجم دانشجویان دانشگاه شهرسازی لندن، مسلمان هستند که بیشتر آنها را زنان تشکیل می‌دهند. آن‌طوری که گیلیس گفته خود او هم طرفدار خوردن نوشیدنی‌های الکلی در محوطه دانشگاه نیست: «بسیاری از دانشجویان ما از کشورهای اسلامی‌اند که در آنجا خوردن مشروب را کار درستی نمی‌دانند. در دانشگاه ما هم کافه‌های زیادی وجود دارد و بهتر است در مورد بعضی از آنها تجدید نظر کنیم چون نمی‌خواهیم بین دانشجویان‌مان تبعیض قابل‌شویم.»